یادداشت روز

این پرونده را ظریف و روحانی قضاوت کنند

۱-اعتبار گفتار مدیران به این است که اولا استحکام منطقی داشته باشد و ثانیا در رفتار، نقض نشود. گفتار و رفتار دولتمردان باید معتبر باشد. البته پذیرفتنی است که یک مدیر ولو با تاخیر، به‌اشتباه خود پی ببرد و اصلاح کند؛ اما اگر خلاف گفتار، رفتار کرد، موجب تردید و سوءظن خواهد شد که آیا عوام فریبی می‌کند؟ نعل وارونه می‌زند تا رد گم کند؟ دچار اختلال دو شخصیتی است؟ یا فاقد اراده برای جبران است؟ قبلا در یادداشت «شخصیت ایرانی و چالش چند شخصیتی‌ها» نوشتیم «فرافکنی و فرار از مسئولیت پاسخگویی، نوعی اختلال شخصیتی است. فرد در اختلال هویت گسستی، دارای دو یا چند شخصیت متناقض می‌شود. منشأ دوگانگی شخصیت می‌تواند تزلزل باور باشد، یا ضعف روحی و یا عدم قناعت و منفعت‌طلبی حاد. برخی ناخواسته دچار این عارضه می‌شوند، اما کسانی هم دانسته، در دو یا چند شخصیت متناقض هم فرو می‌روند».

۲-این روزها برخی دولتمردان، سخنانی بر زبان جاری می‌کنند که نقض رویه پنج سال گذشته آنهاست. آقای روحانی هفته گذشته در جلسه هیئت دولت به درستی گفت برخی مقالاتی که در دنیا نوشتند، گویی برای عدم توسعه ما ساخته شده. ما گاهی گرفتار یکسری مقاله شدیم و رفتیم پشت سر آن مقاله‌ها و ملت خودمان را به دردسر انداختیم؛ آنها هم خودشان هیچ مراعات نمی‌کنند؛ مگر آنها این بحث‌های مربوط به گازهای گلخانه‌ای را که می‌گویند، مراعات می‌کنند؟ این همه آلودگی در دنیا انجام می‌گیرد. اما به خودمان که می‌رسیم، می‌خواهیم خط به خط را اجرا کنیم، فکر می‌کنیم اینها آیات قرآن است».

۳- آقای ظریف نیز روز جمعه در یک نشست کاملا حزبی (ندای ایرانیان) شرکت کرد. صرف نظر از غیر قانونی بودن این حضور، بخشی از حرف‌های او توهین به شعور عمومی است: «دنیای امروز، دنیای پسا غربی است. یک زمانی دنیا معادل بود با غرب؛ آن دوران تمام شد. دوران قدر قدرتی تمام شده؛ نباید همه فکر خود را معطوف به آمریکا کنیم؛ خیال نکنیم هراتفاقی در دنیا می‌افتد، یک سرش در آمریکاست؛ غرب مرکز عالم نیست. جاهایی که داد ضدیت با آمریکا سر می‌دهند، باور ندارند آمریکا را هم می‌توان شکست داد. چرا غرور ملی مردم‌مان را نادیده می‌گیریم؟».

۴- سخنان آقای روحانی هنگامی ادا شد که وی به خاطر وعده انتقال آب خزر به سمنان، با انتقاد جدی کارشناسان و برخی حامیان خود مواجه شد. آیا اگر این بحث پیش نمی‌آمد، آقای روحانی نباید سخنان اخیر را بیان می‌کرد؟ مگر موضوع توافق آب و هوایی پاریس که دو سال قبل توسط وزارت‌خارجه و سازمان محیط زیست پخت و پز و امضا شد -و با وجود سپردن برخی تعهدات، هنوز در مجلس تصویب نشده- غیر از همین «گازهای گلخانه‌ای» است؟! سخن درست رئیس‌جمهور، ما را به یک پرسش مهم رهنمون می‌شود: خیانت امضای توافق پاریس و پذیرفتن برخی تعهدات ضد توسعه و پیشرفت کشور را چه کسانی و چرا مرتکب شدند؟ از کجا خط می‌گرفتند؟ آنها چه نقشی در جا انداختن برخی برنامه‌های ضد پیشرفت داشته‌اند؟ آیا بدین ترتیب، نباید درباره موضوع نفوذ امنیتی و اقتصادی در پوشش بهانه‌های زیست محیطی حساس شویم؟ چگونه عنصر نفوذی دوتابعیتی، «معاون» معاون رئیس‌جمهور در سازمان محیط زیست شد و پس از لو رفتن، به شکل مشکوکی از کشور گریخت؟

۵- سخن آقای روحانی، حقیقت مهم‌تری را در خود نهفته دارد. آیا هدف بانیان FATF و CFT (مبارزه با تامین مالی تروریسم) و سند فرهنگی ۲۰۳۰ و توافق MTCR غیر از این است که ترمز توسعه و پیشرفت و اقتدار و استقلال ملت‌ها را بکشند؟ واقعا مافیای غربی حاکم بر این نهادها، با پولشویی و جرائم سازمان یافته و تامین مالی تروریسم و توسعه موشک‌های بالستیک در دنیا مشکل دارند یا سرقفلی این امور، دست خود آنهاست؟ انسان متاسف می‌شود وقتی می‌بیند مشاور رئیس‌جمهور، بعد از عیان شدن خسارت‌های برجام و دروغ از آب درآمدن وعده لغو تحریم‌ها می‌گوید «برجام بعد از خروج آمریکا آسیب دیده و حتی شاید به خاطر عدم پایبندی سایر کشورها بیشتر آسیب ببیند. اما هر اتفاقی بیفتد، برجام توانست داغ ننگ تسلیحات هسته‌ای را از پیشانی ایران بردارد»! با طرف‌های مذاکره برجام که جز آلمان همگی ننگ سلاح هسته‌ای بر پیشانی دارند، مذاکره کردند و بخش اعظم برنامه صلح آمیز هسته‌ای را به تعطیلی کشاندند تا تحریم‌ها لغو شود؟ یا می‌خواستند به دارندگان بمب اتمی که حقیقت را می‌دانند، ثابت کنند که این ننگ به پیشانی ما نیست؟! آن وقت، غرب را وادارشتند تغییر رویه دهد یا عهدشکن‌تر و گستاخ‌تر کردند؟!

۶- هر کدام از سخنان موردداشاره آقایان روحانی و ظریف، یک اصل موضوعه و سنگ بنا در سیاستگذاری و راهبرد نگاری است. پیش فرض‌هایی است که بخش اعظم مشی دولت در سیاست خارجی را زیر سؤال می‌برد. این سخنان، برای مواخذه و محاکمه آنها در دادگاهی که خودشان قاضی باشد، کفایت می‌کند. ظریف از غرور و عزت ملی و مرکز دنیا نداستن غرب حرف می‌زند اما نمی‌گوید که چه کسانی گفتند «آمریکا کدخداست و اروپایی‌ها آقا اجازه هستند» یا «آمریکا می‌تواند با یک بمب، تمام توان دفاعی ما را نابود کند»؟ و چه کسانی پس از خروج آمریکا از برجام ادعا کردند «شر مزاحم کم شد» و «برجام را با اروپا ادامه می‌دهیم»؟!

۷- ظریف نمی‌گوید از همه دعاوی برجامی، فقط خسارت‌هایش برای ما مانده است. نمی‌گوید که آیا با تدبیر تیم وی، خروج ۹۷۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده از کشور (از مجموع ۱۰ هزار کیلوگرم- ۹۷ درصد کل اورانیوم غنی شده در ۱۰ سال)، تعلیق و از کار انداختن ۱۵ هزار سانتریفیوژ از مجموع ۱۹هزار سانتریفیوژ (۷۸ درصد)، تغییر ماهیت رآکتور آب سنگین اراک و از کار انداختن قلب رآکتور آن، بیکار و متفرق کردن بخش مهمی از متخصصان و توقف پیشرفت شتابان برنامه هسته‌ای برای حداقل ۸ سال را پذیرفتیم تا وقتی شخص ایشان با دعوت دولت آلمان در کنفرانس امنیتی مونیخ شرکت می‌کند، معطل یک باک بنزین هواپیمایش باشد؟ یا شهریور پارسال به طرف‌های برجام در نیویورک بگوید «۲۰ ماه پس از برجام، هنوز هم نمی‌توانیم حتی یک حساب بانکی در انگلیس باز کنیم»؟! یا همین پریروز در کنفرانس دوحه قطر بگوید «اگر هنری باشد که ما در ایران در آن بی‌نقص باشیم، هنر دور زدن تحریم‌هاست؛ به بقیه هم میتوانیم آموزش بدهیم»؟!

۸- غرور و غیرت ملی ظریف کجا بود وقتی سال ۲۰۰۴، از موضع یک بازیگر حزبی به البرادعی گفت: «بسیاری از کاندیداها از شکست مذاکرات ما سود می‌برند، آنها موفقیت جذابی در این گفت‌وگوها نمی‌دیدند. هم برای اروپایی‌ها و هم مذاکره‌کنندگان، اعتبار از دست رفته بود. این، فقط مشکل آنها نبود، مشکل اعتماد به جبهه ما هم بود، اعتماد به نوع اعتبار ما در خانه». یا با سخنان او در شورای روابط خارجی آمریکا به تاریخ ۲۶ شهریور ۹۳ و در پاسخ هاله اسفندیاری (ازمتهمان براندازی نرم و کودتای مخملین) چه کنیم که گفت: «ما روندی را شروع کرده‌ایم که هدف از آن، تغییر فضای سیاست خارجی کشور است. اگر با وجود تلاش‌های ما برای تعامل، این تلاش‌ها بی‌نتیجه بماند، مردم ایران این فرصت را خواهند داشت تا ۱۶ ماه دیگر که انتخابات پارلمانی برگزار می‌شود، به عملکرد ما پاسخ دهند. وقتی قبلاً در سال‌های ۲۰۰۴ و۲۰۰۵، توافق‌هایی کردیم و تلاش‌های ما برای عملکرد شفاف، از جانب اتحادیه اروپایی رد شد، مردم جواب ما را با انتخاب رئیس‌جمهوری متفاوت دادند که مرا هم زود بازنشسته کرد(!) حالا بار دیگر من زنده شده‌ام. غرب در انتقال پیامی که می‌خواهد به ایران منتقل کند باید بسیار دقت کند». آیا در قبیل این سخنان، عزم شکست دادن آمریکا دیده می‌شود؟!

۹- یک سال بعد از این سخنان (چهارم مرداد ۹۴) جان‌کری در همین شورای روابط خارجی گفت: «دوستان! اگر به توافق پشت کنیم، یک پیام بزرگ به افراطی‌ها در ایران می‌فرستیم. چه کسی می‌داند در این صورت انتخابات (مجلس) چه می‌شود؟ اما روحانی و ظریف که خود را در مذاکره با غرب به خطر انداختند، به دردسر جدی می‌افتند». دقیقا یک سال بعد (چهارم مرداد ۹۵)، جان برنان رئیس‌وقت CIA در همایش امنیتی اسپن تصریح کرد: «توافق هسته‌ای، پرزیدنت روحانی را که از دید ما بین عناصر فعال در ایران بسیار میانه‌روتر به‌شمار می‌آید، تقویت کرد. او باید دستاوردهای بیشتری داشته باشد تا حمایت بیشتری جلب کند. نگرانی من این است که خب، بسیاری از ایرانی‌ها انتظار داشتند با آزاد شدن دارایی‌های این کشور، پول به زندگی آنها سرازیر شود».

۱۰- آقای اسدالله اسدی «دبیر سوم سفارت ایران در اتریش»، از ۱۰ تیر ماه (پنج ماه قبل) در آلمان بازداشت و سپس به بلژیک منتقل شده و تحت فشار و آزار قرار دارد. اما ظریف به همین یک توییت غرورآمیز بسنده کرده است: «چقدر تعجب‌برانگیز است همزمان با سفر هیئت ایرانی و رئیس‌جمهور به اروپا (اتریش)، یک نفر دیپلمات بازداشت شده است»! نمونه مشابه این حرمت و عزت دیپلماتیک دولت، ماجرای ویزای حمید ابوطالبی (معاون سیاسی وقت دفتر روحانی) است که در دوره مغازله و توافق با دولت اوباما، به‌عنوان نماینده کشورمان در سازمان ملل معرفی شد. ابوطالبی اخیرا در توئیتر نوشته «بالاتر از لیست سیاه FATF لیستی نیست. این بار در زمستان ۱۳۹۷ راه را اشتباه نرویم». آیا مشاور فعلی رئیس‌جمهور یادش نیست دولت اوباما همان زمان که آقای روحانی، اوباما را «بسیار مودب» می‌نامید، همین آقای ابوطالبی را «تروریست» خواند و ویزا نداد؟ آیا او نمی‌داند از نگاه FATF و دیکته‌های آمریکا، تروریست محسوب می‌شود؟!

۱۱- شورای امنیت با فشار آمریکا و برای دومین بار در یک هفته گذشته، موضوع موشک‌های ایران را در دستور بحث قرار داد. این وارونگی در حالی است که اگر آقای ظریف و تیم او اهتمام داشتند، باید نقض ۸ ماهه قطعنامه ۲۲۳۱ (که برجام ضمیمه آن است) در دستور قرار می‌گرفت و آمریکا به‌جای اینکه طلبکار شود، مواخذه می‌شد. چرا به‌جای طلبکاری از اروپا درباره برجام، باید سراغ مذاکره در زمینه پیمان سلطه‌طلبانه MTCR (Missile Technology Control Regime - رژیم کنترل تکنولوژی موشکی) برویم؟! کدام منطق می‌تواند بگوید ایران نباید موشک با برد بیش از قطر خود یا مثلا بالای دو هزار کیلومتر داشته باشد؟! وقتی دولت‌های آمریکا در ادوار مختلف، ایران را علنا تهدید به حمله نظامی می‌کنند و می‌گویند همه گزینه‌ها از جمله گزینه نظامی روی میز است، بر مبنای منطق بازدارندگی، حق داریم جنگ افزارهایی برای دفاع از خود داشته باشیم و موشک دوربرد، یکی از همان هاست. وقتی رژیم صدام به ایران حمله کرد و شهرهای بی‌دفاع ما را به بمب و موشک بست، رژیم‌های انگلیس و فرانسه و آلمان و برخی دولت‌های دیگر اروپایی تأمین‌کنندگان بمب و موشک‌های رژیم بعثی بودند. همان‌ها تروریست‌های منافقین و داعش و الاحوازیه و جندالشیطان را تأمین و تجهیز کرده‌اند. برای چنان دولت‌های عنودی باید برگ برنده و ابزار بازدارندگی رو کرد. چرا باید همچنان منفعل عمل کنیم و سرعت و مسیر پیشرفت و اقتدار را با ملاحظات دشمنان خود تعیین کنیم؟ پنج سال عقب افتادن و هزینه دادن کافی نیست؟

محمد ایمانی

گزارش خبری تحلیلی کیهان

غرب معتاد به تحریم دولت معتاد به مذاکره با غرب!

در شرایطی که غرب سعی می‌کند با اعمال تحریم‌های گسترده و بی‌سابقه به ایران فشار اقتصادی و روانی وارد کند، راهبرد عمده دولت برای مقابله با فشار اقتصادی، مذاکره و نگاه به غرب برای تامین منافع ایران است و این نگاه منافع ایران را تامین نخواهد کرد.

جایگاه مذاکره در سیاست خارجه هر کشوری در جهان به مثابه یک ابزار است، ابزاری جهت تامین منافع ملی. اما زمانی که این ابزار تبدیل به هدف می‌شود، به طور خودکار قدرت چانه‌زنی هر کشور در میز معامله را پایین می‌آورد. چرا که یک پیش‌امتیاز به طرف مقابل است و طرف مقابل با دانستن اینکه اصل مذاکره حائز اهمیت است و نه آنچه که بر سر آن مذاکره می‌شود، می‌تواند بدون اینکه امتیازی بدهد، امتیاز بگیرد.

زمانی که دولت یازدهم سرکار آمد، برای حل مشکلات اقتصادی کشور از جمله بیکاری، مسکن و... تمرکز و انرژی اصلی خود را بر روی مذاکرات هسته‌ای گذاشت که نهایتا در برجام نمود پیدا کرد. روحانی رئیس‌جمهور در جریان مذاکرات هسته‌ای گفته بود که تحریم‌ها باید برداشته شوند تا اشتغال ایجاد شود، تا آب خوردن مردم درست شود و... در جای دیگر رئیس‌جمهور گفته بود که برجام را خدا آورد. دیگر مسئولین و رسانه‌های طرفدار دولت نیز تا می‌توانستند برای برجام دستاوردسازی کردند و در آن غلو نمودند. این کنش‌های دولتمردان این پیام را به طرف غربی ارسال کرد که برجام و به طور کلی مذاکره برای دولت روحانی، یک هدف است و دولت روحانی به مذاکره نیاز دارد. آمریکا از اجرای برجام در زمستان ۹۴ تا زمان خروج از برجام در بهار ۹۶ شروع به اضافه کردن نهادهای ایرانی به لیست‌های تحریمی خود نمود و واکنش دولتمردان نسبت به نقض‌های جسم و روح برجام توسط آمریکا کاملا منفعلانه و اعتراض دیپلماتیک و سیاسی بود. عدم واکنش جدی از سوی دولت، به آمریکا اطمینان داد که می‌تواند ایران را وادار به انجام یک‌طرفه تعهدات خود در برجام بنماید، در حالی که خود همان امتیاز نسیه را هم به ایران نداده است.

دیروز مذاکره با آمریکا امروز مذاکره با اروپا

آمریکا از برجام خارج شد و دولت روحانی که مذاکره برای وی هدف بود، به جای روی آوردن به واکنش متقابل نسبت به نقض تعهدات آمریکا، تصمیم گرفت با اروپا وارد مذاکره شود. در این راستا آقای روحانی چند دقیقه بعد از خروج آمریکا از برجام اعلام نمود که برای تامین منافع ملی ایران وارد مذاکره با طرف‌های دیگر برجام می‌شود. شش ماه مذاکرات برجام اروپایی گذشت و در این مدت اروپا نه تنها منافع ملی ایران را تضمین نکرد، بلکه اقدام به کاهش تجارت خود با ایران کرد. شرکت‌های اروپایی از ایران خارج شدند و صادرات نفت ایران به اروپا دچار کاهش ۷۱ درصدی شد و حتی فرانسه خرید نفت ایران را قطع کرد. راهکار سازوکار ویژه (SPV) اروپایی‌ها حتی با بازگشت تحریم‌های نفتی نیز به ثبت نرسید و تاکنون هیچ کشور اروپایی حاضر به پذیرش ثبت این سازوکار در کشور خود نشده است. مسئولین دستگاه دیپلماسی کشور اعلام کردند که اروپا نتوانست منافع ایران را تامین نماید. در این راستا ظریف در مصاحبه با رادیو تهران گفت: « اینکه اروپایی‌ها تا حالا نتوانستند به تعهداتشان عمل کنند، یک واقعیت است». عراقچی، معاون وزیر امور خارجه نیز در ۲۸ آبان‌ماه گفت: «چه اروپا نمی‌خواهد با ما کار کند و بازی می‌کند و چه این‌که می‌خواهد کار کند و قادر نیست با فشارهای آمریکا، در نتیجه فرقی ندارد. ما با شرایطی روبه‌رو هستیم که اروپا نتوانسته یا نخواسته سازوکاری ایجاد کند که خواست ایران را تأمین کند».

ممکن است فکر کنیم اکنون که به اذعان خود دولتمردان اروپا نتوانسته است منافع ایران را حفظ نماید، الان دیگر وقت خروج از برجام و از سرگیری فعالیت‌های هسته‌ای است؛ در صورتی که در ادامه اظهارات ظریف و عراقچی یک «اما» وجود دارد که نشان از اعتیاد دولت به مذاکره با غرب می‌دهد. ظریف در این مورد می‌گوید: «اینکه اروپایی‌ها تا حالا نتوانستند به تعهداتشان عمل کنند، یک واقعیت است، ولی این در مورد اصل فواید برجام برای ایران و به صلح و امنیت بین‌المللی خدشه‌ای وارد نمی‌کند». اظهارات کامل عراقچی نیز به این صورت است که: «چه اروپا نمی‌خواهد با ما کار کند و بازی می‌کند و چه این‌که می‌خواهد کار کند و قادر نیست با فشارهای آمریکا، در نتیجه فرقی ندارد. ما با شرایطی روبه‌رو هستیم که اروپا نتوانسته یا نخواسته سازوکاری ایجاد کند که خواست ایران را تأمین کند. تا زمانی در برجام می‌مانیم که منافع ما تأمین شده باشد. الآن به‌دلیل منافعی که برای ما از لحاظ اقتصادی و سیاسی وجود دارد در برجام هستیم».

دستاوردتراشی به جای اقدام متقابل!

دولتمردان از یک طرف اذعان می‌کنند که مذاکره با اروپا بر سر اخذ تضمین‌های عملی جهت حفظ منافع اقتصادی کشور، شکست خورده است، ولی برجام فوایدی دارد که از قضا فواید اصلی هستند(برداشتن تحریم‌ها و منافع اقتصادی فواید فرعی هستند) و به خاطر همین فواید باید در برجام بمانیم. عراقچی در ادامه اظهارات خود به این فواید اشاره کرده است: «اجماع جهانی به‌نفع جمهوری اسلامی ایران است و قطعنامه شورای امنیت هنوز برنگشته که این از منافع ماست. اروپا بداند این وضع نمی‌تواند ادامه پیدا کند. کسی در ایران به‌خاطر تحریم آمریکا دست خود را بالا نمی‌برد. شرایط ما بهتر از شرایط قبل از توافق است». فوایدی که دولتمردان از آن صحبت می‌کنند همان ادعای برداشتن سایه جنگ از سر کشور است، همان روح برجام است که از آن سخن می‌گفتند. دولت ادعا می‌کرد با لغو قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت سایه‌ی جنگ را از سر ایران برداشته است؛ در صورتی که قطعنامه‌ها لغو نشده بودند، بلکه در قطعنامه ۲۲۳۱ تجمیع شده بودند و با برهم خوردن برجام این قطعنامه‌ها باز می‌گردند. اما کیست که نداند اقتدار نظامی باعث برداشتن سایه جنگ از سر کشور شده است و این ادعای واهی تنها با هدف دستاوردتراشی از برجام تکرار می‌شود.

واقعیت تلخ

واقعیت تلخ این است در حالی که به گفته ظریف غرب معتاد به تحریم است و بی‌اندازه از آن برای فشار به مردم ایران برای گرفتن امتیاز استفاده می‌کند، این طرف در ایران دولتی وجود دارد که معتاد به مذاکره با غرب است و حتی برای حفظ این مذاکره نه تنها تمام بدعهدی‌های اروپایی‌ها را نادیده می‌گیرد، بلکه برای حفظ این مذاکره دستاوردتراشی نیز می‌کند.با وجود این شرایط اگر جای غرب باشید، آیا برجام را گروگان نمی‌گیرید و در ازای آن، عقب‌نشینی از منطقه را طلب نمی‌کنید؟! آیا برجام را اهرم فشاری جهت امتیازگیری از ایران در بحث موشکی و حمایت از مقاومت با تصویب لوایح FATF قرار نمی‌دهید؟! دولت معتاد به مذاکره با غرب است و از آن نمی‌توان اقدام متقابل نسبت به بدعهدی‌های غرب را انتظار داشت، چرا که هرگونه اقدام متقابل در سطح حداقلی خود، خروج از برجام است. دولت اگر به مذاکره با غرب اعتیاد نداشت، می‌توانست از برجام به عنوان فرصتی جهت تامین منافع استفاده کند؛ اما برجام اکنون تبدیل به تهدید برای منافع اقتصادی ایران و ایضا منافع امنیتی ایران شده است و دولت به خاطر برجام در برابر اقدامات خصمانه‌ای که دولت‌های اروپایی در چند ماه گذشته نسبت به دیپلمات‌های ایران در فرانسه و دانمارک داشته‌اند، سکوت اختیار کرده است. بنابراین برای تامین منافع ملی راهی جز خروج از برجام باقی نمانده است که این تصمیم را شورای عالی امنیت ملی باید بگیرد.

خرازی:

اروپا گام‌های عملی برای اجرای SPV بردارد

رئیس شورای راهبردی روابط خارجی در پاسخ به سؤالی درباره اجرایی شدن spv بین ایران و اروپا گفت: اروپا قول اجرایی شدن این موضوع را داده است، البته انتظار این است که گام‌های عملی در این راستا از سوی اروپا برداشته شود.

کمال خرازی، رئیس شورای راهبردی روابط خارجی، در حاشیه پیش سمینار سومین کنفرانس امنیتی تهران در جمع خبرنگاران اظهار داشت: ساز و کار احیای تمدن اسلامی، برگزاری نشست‌های خاص این موضوع است.

وی افزود: برگزاری نشست‌هایی با حضور همه کشورها بدون اینکه استثنایی قائل شویم، به احتمال زیاد می‌تواند راهگشا باشد.

خرازی در پاسخ به سؤالی درباره اجرایی شدن spv بین ایران و اروپا گفت: اروپا قول اجرایی شدن این موضوع را داده است، البته انتظار این است که گام‌های عملی در این راستا از سوی اروپا برداشته شود. در گفت‌وگوهای آقای ظریف و اروپایی‌ها آنها قول دادند تا پایان سال spv را اجرایی کنند.

رئیس شورای راهبردی روابط خارجی تصریح کرد: جمهوری اسلامی نقش به سزایی در مبارزه با تروریسم و حمایت از دولت‌های قانونی منطقه و مقابله با شیطنت‌ها در منطقه داشته است. جمهوری اسلامی خواستار آزادی مردم و حمایت از حکومت‌های مستقل است و به این مسیر خود ادامه می‌دهد.

وی اظهار داشت: امنیت ایران دارای دشمنانی است و بیگانگان برای اختلال ایجاد کردن در این امنیت در حال تلاش هستند. حرکات تروریستی مانند آنچه در چابهار اتفاق افتاد، حرکات مذبوحانه‌ای است که راه به جایی نمی‌برد. رزمندگان و نیروهای امنیتی ما در صحنه حضور دارند و به همین جهت اتفاقی نخواهد افتاد.

به گزارش تسنیم، خرازی درباره ساز و کار spv ایرانی گفت: متناسب با آنچه اروپایی‌ها ارائه می‌دهند، ایران هم ساز و کاری تدوین می‌کند که بتواند از آن استفاده کند.

نامه اعتراضی کمیسیون امنیت ملی درباره بودجه دفاعی سال آینده

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی از نامه اعتراضی این کمیسیون به دولت درباره بودجه دفاعی سال آینده خبر داد.

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه در گفت‌وگو با تسنیم، با اشاره به بودجه دفاعی در بودجه سال ۹۸ کل کشور، اظهار داشت: اخیراً آماری از بودجه دفاعی کشور به کمیسیون رسیده بود که اخبار خوبی نبود.

وی ادامه داد: پیرو این اخبار اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، نامه‌ای اعتراضی به دولت ارسال کردند.

نماینده مردم اسلام‌آباد غرب در مجلس با بیان اینکه در بودجه سال ۹۸ با توجه به اسناد بالادستی سهم ۵درصدی حوزه دفاعی دیده نشده بود، گفت: در بودجه سال ۹۸ برای اولین‌بار سهم بودجه دفاعی از سال‌های قبل کمتر شده بود.

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس افزود: پس از اعتراض اعضای کمیسیون به این تصمیم دولت، در نسخه جدید که تدوین شده است، خبرهای خوبی به گوش می‌رسد و به‌نظر می‌رسد دولت تجدید نظری در بودجه دفاعی داشته است.

خبر ویژه

دوباره وعده بی‌جا ندهید FATF ارزانی نمی‌آورد آقای روحانی

یک سایت حامی دولت از روحانی خواست از تجربه وعده‌های برجامی عبرت بگیرد و این بار معیشت مردم و اقتصاد کشور را به FATF گره نزند.

عصر ایران نوشت: بعد از خواندن این سخنان رئیس‌جمهور که «اگر می‌گویید FATF باشد یا نباشد، یک نفر نمی‌آید بگوید اگر باشد ۲۰ درصد ارزان‌تر کارها انجام می‌شود و اگر نباشد ۲۰ درصد گران‌تر.» یاد حدیث معروف پیامبر اسلام افتادم؛ «لا یلدغ المؤمن من جحر واحد مرتین» یک مومن از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود.»

روحانی قبل از رسیدن به توافق هسته‌ای اعلام کرد با برجام بسیاری از مشکلات کشور حل خواهد شد. این سخنان او باعث شد حتی بعد از برجام برخی از مردم تصور کنند دلار به کانال هزار تومان باز خواهد گشت.

عصر ایران با اشاره به شوک‌های اقتصادی یک سال اخیر و صعود قیمت دلار تا نزدیکی ۲۰ هزار تومان می‌نویسد: شاید اگر روحانی اجازه می‌داد توافق هسته‌ای به سرانجام برسد و بعد از دستاوردهای آن با توجه به رفتار طرف مقابل با مردم سخن می‌گفت، امروز با توقعات کمتری روبه‌برو بود.

حالا باز رئیس‌جمهور همان اشتباه را تکرار می‌کند و ارزان شدن ۲۰ درصد بعد از تصویب نهایی FATF می‌گوید نباید این توقع را در مردم ایجاد کرد که با این گروه ویژه اقدام مالی، مشکلات کشور حل خواهد شد.

برجام نمونه خوبی است برای این معنا که توافقات بین‌المللی را نباید در کلام با معیشت مردم گره زد. دولت کار خود را انجام دهد و بعد از ایجاد گشایش در امور از آن حرف بزند، نه قبل از آن. از همین الان به رئیس‌جمهور روحانی اعلام می‌کنیم که منتظر این جمله باشد که «دیدید با FATF هم چیزی ارزان نشد و گره‌ای به گره‌های کشور اضافه شد.»

نشخوار نقشه سوخته ترامپ و منافقین از سوی سعید حجاریان

یکی نیست به حجاریان بگوید؛ تجربه فتنه ۸۸ برای شما کم نبود؟ شما در دادگاه آن روزها چه گفتید، همه آنها را فراموش کردید؟ باز فیل‌تان یاد هندوستان افتاده است؟!

روزنامه رسالت در یادداشتی به قلم محمدکاظم انبارلویی نوشت: اصلاح‌طلبان را اگر دو تیره حساب کنیم، یک بخش بدخیم دارند، یک بخش خوش‌خیم. بخش بدخیم آنها همان کسانی هستند که در همگرایی با غرب در جنگ نرم علیه ملت ایران در فتنه ۱۸ تیر ۷۸ و فتنه تقلب در سال ۸۸ سنگ تمام گذاشتند و به عنوان سربازان نتانیاهو در لشکر و حشم براندازی عمل می‌کردند و می‌کنند.

برگزاری دادگاه اهالی فتنه یک رونمایی از این جماعت روسیاه بود. متاسفانه جلوی برگزاری دادگاه‌ها را گرفتند و نگذاشتند این رونمایی با شفافیت بیشتری صورت گیرد.

اخیرا که دکور دموکراسی در فرانسه به هم ریخته و پاریس به یک شهر جنگ‌زده تبدیل شده، جماعت روشنفکر رویشان نمی شود سربلند کنند. احدی از این جماعت سر بلند نمی‌کنند که بالاخره دموکراسی چه شد؟ آزادی به کجا رسید؟ تحمل مخالف، کیلویی چند است؟

توی این بلبشویی که در اروپا، سگ صاحبش را نمی‌شناسد، جماعتی به فکر این افتاده‌اند که برای انحراف مردم از آنچه در اروپا می‌گذرد، یک قدری قد و قواره دموکراسی و حقوق بشر و آزادی بیان در داخل را وارانداز کنند.

مصاحبه اخیر سعید حجاریان از برخی تحرکات اصلاح‌طلبان رونمایی می‌کند. وی در پاسخ به سوالی در مورد این که برای پیشبرد پروژه اصلاحات چه استراتژی‌ای اتخاذ کرد؟ بی‌پروا می‌گوید: «می‌توان به نافرمانی مدنی فکر کرد. نافرمانی مدنی در خلأ شکل نمی‌گیرد. ابتدا باید تجمع سلولی داشت و سپس تجمع‌های موضوعی و بعد هم تجمع‌های سراسری انجام شود». وی با اظهار تاسف از شکست پروژه کشف حجاب می‌گوید: «دختران خیابان انقلاب نافرمانی مدنی (بخوانید کشف حجاب) می‌کنند، اما چون سازمان ندارند و سراسری نیستند، به نتیجه نمی‌رسند.»

چرا برخی اصلاح‌طلبان به این روز افتاده‌اند؟ حضور آنها در دولت اعتدال چوب لای چرخ سیاست، فرهنگ، اقتصاد و معیشت مردم گذاشت. ترامپ فکر می‌کرد با خروج از برجام، اوضاع ایران به هم می‌ریزد و مردم به این نوع پروژه‌ها «اعلام جنگ‌ها» توجه می‌کنند و می‌ریزند توی خیابان، اما نشد. منافقین به آنها قول داده بودند حتما در درون نظام شکاف در رأس ایجاد می‌شود، در پایین هم هستند کسانی که فشار از پایین تا چانه‌زنی در بالا برای فروش مملکت به اجانب را نمایندگی کنند، اما تست آنها در دی‌ماه سال گذشته و مرداد امسال جواب نداد. مردم ما فهیم‌تر از آن هستند که دشمن فکر می‌کرد. حالا یک توطئه سوخته و یک ماموریت لو رفته را سعید حجاریان در قالب «پروژه اصلاحات»، «تکرار» می‌کند. خدا رحمت کند شهید لاجوردی را، بارها گفته بود این جریان دنباله جریان منافقین هستند و به نیروهای انقلاب در مورد کژاندیشی، انحراف و کژتابی آنها هشدار داده بود.

یکی نیست به حجاریان بگوید؛ تجربه فتنه ۸۸ برای شما کم نبود؟ شما در دادگاه آن روزها چه گفتید، همه آنها را فراموش کردید؟ باز فیل‌تان یاد هندوستان افتاده است؟! این واژگان چیست که لقلقه زبان و دهان شماست؟

«فشار از پایین»، «تافرمانی مدنی»، «تجمع سلولی» و... آنها که این تخم لق را در اندیشه سیاسی شما کاشتند، الان در پاریس دارند توفان درو می‌کنند. شما جوجه آنها هم نیستید، پس چرا در قد و قواره بازتولید آشوب و بحران ظاهر می‌شوید؟

مشکل اقتصاد این است که وزارت خارجه مسئول آن شده!

«مشکل اقتصاد ما این است که به جای اینکه ریش و قیچی دست وزارت اقتصاد در صنعت باشد، دست وزارت خارجه افتاده است».

روزنامه وطن‌امروز در یادداشتی نوشت: ریش و قیچی اقتصاد از سال ۹۲ به این سو، بیشتر از اینکه دست وزیر اقتصاد، صنعت، کار و ... باشد، دست عباس عراقچی و محمدجواد ظریف بوده است. وعده‌های اقتصادی رنگارنگ آقای رئیس‌جمهور هم بیشتر از آنکه مبتنی بر برنامه‌ریزی در وزارت صنعت، اقتصاد و ... مطرح شده باشند، براساس فن دیپلماسی همین آقایان طرح شده‌اند. لذا ما با اینکه ولی‌الله سیف را در مسئله توزیع دلار جهانگیری و محمد شریعتمداری را در مسئله قاچاق ۵ هزار خودروی لوکس مقصر می‌دانیم، نباید یادمان برود این تخلفات همه در پناه چتری که محمدجواد ظریف برای مسئولان اقتصادی گسترده، رخ‌نمایی کرده است. محمدجواد ظریف نه به خاطر آنکه زیر قراردادی امضا انداخته که حق شکایت هم برای ایران را در نظر نگرفته است، بلکه به خاطر چند سال آدرس غلط دادن به ۸۰ میلیون ایرانی باید در پیشگاه تاریخ و قانون بازخواست شود.

خطای اساسی آقای ظریف این بوده و هست که وقتی به قول خودش «در اداره وزارت امور خارجه هم درمانده»، ریش و قیچی یک اقتصاد ۸۰ میلیونی را چند سال است در دست گرفته، رها هم نمی‌کند. اما خوشمزگی آرایشگری اقتصاد به سبک ایشان این است که وی مهم‌ترین راهبرد اصلاح اقتصاد ایران را، رفع بهانه‌های آمریکا و غرب می‌داند. در این واقعیت تلخ، نکته ظریفی نهفته است و آن اینکه ریش و قیچی اقتصاد ما در ۵ سال گذشته، نه در دست آقای ظریف که به واقع در دست اروپا و آمریکا بوده است!

ما ریش و قیچی اقتصاد را به دست دشمن داده‌ایم، دشمن هم که برای آدم قبا نمی‌دوزد لابد، قیچی را در پهلو فرو می‌کند! نتیجه همین می‌شود که تورم چنین، ارز چنان و حتی پارسپورت ایرانی هم بهمان شود! آقای ظریف با هنر دیپلماسی خود کاری کرده که نبض اقتصاد ما با بهانه‌های آمریکا و اروپا بالا و پایین برود.

آقای رئیس‌جمهور آنقدر به سپردن ریش و قیچی اقتصاد ما به بیگانه تمایل داشت که «آب خوردن» مردم را هم به رفع بهانه‌های آنان گره زد. حالا اما همان آقای روحانی می‌گوید تحریم‌ها فرصت است و مذاکره با آمریکا هم دیوانگی است.

مدل اصلاح اقتصاد به سبک آقای ظریف و عراقچی همین است که حالا ۷ ماه بعد از خروج آمریکا از برجام به ما بگویند: «ایده‌های جدید اروپا برای تعاملات تجاری در راه است!» در حالی که همین افراد پیش از این بارها و بارها برای اجرایی شدن بسته پیشنهادی اروپا ضرب‌الاجل تعیین کرده بودند! عراقچی شهریورماه گذشته صراح